در برخی کشورهای دنیا کثیف کردن صندلی مترو و اتوبوس جریمه مالی دارد بعد اینجا یک عده راحت پاهایشان را دراز می‌کنند. حالا بماند جروبحث و هل دادن موقع سوار شدن

ابوالفضل نسایی/ایران

اصلاح برخی رفتارهای کوچک که موجب تغییرات مهم می شود

«بفرما» در حد تعارف

گزارش

ترانه بنی یعقوب
گزارش نویس

مترو تهران یک روز آلوده سال

از آن روزهای فصل پاییز است که چشم چشم را به زورمی بیند از خانه که می‌زنی بیرون هوا مه آلود است، اما مه واقعی نیست، آلودگی هواست برای همین هم خیلی‌ها اعصاب درست و حسابی ندارند. بداخلاقند و ماسک زده و با اخم پله‌های مترو را پایین و بالا می‌روند. برخی به دیگران تنه می‌زنند و با صدایی تودماغی عذرخواهی می‌کنند. یک جورعصبی بودن توی هوا موج می‌زند. درچنین روزهایی به نظرم آستانه تحمل همه پایین می‌آید. روزهایی که هوا روی خوش نشان‌مان نمی‌دهد. حالا توی این روزها اگر برخی حق و حقوق کوچک یکدیگر را هم که رعایت نکنیم قوزبالای قوز می‌شود. می‌خواهید بدانید مثلاً چه حقوقی؟ با من تا پایان امروزهمراه شوید. درایستگاه مترو یک عده سرپا ایستاده‌اند و یک عده هم روی صندلی‌ها نشسته‌اند تا قطار از راه برسد. صدای قطار که به گوش می‌رسد مسافران به طرف درها هجوم می‌برند. زنی با صدای بلند می‌گوید: «تورو خدا صبر کنید اول مسافرها پیاده شوند بعد ما سوار شویم.» به نظر می‌رسد کسی صدای زن را نشنیده، حرف‌های او در هول و هیجان جمعی گم می‌شود. همه می‌خواهند زودتر خودشان را وارد قطار کنند تا شاید بتوانند یک صندلی خالی پیدا کنند و تا آخر خط نایستند. یا اگر صندلی خالی گیرشان نیامد دست کم جای مناسبی برای ایستادن پیدا کنند. حالا دیگر بلوایی به پا شده، مسافرانی که می‌خواهند پیاده شوند فریاد می‌زنند که اول بگذارید ما پیاده شویم بعد شما سوار بشوید. همه همدیگر را هل می‌دهند و صحنه عجیب و باورنکردنی را جلوی چشمانت می‌بینی آنهایی که می‌خواهند پیاده شوند با آنهایی که می‌خواهند سوار شوند برخورد می‌کنند یکدیگر را هل می‌دهند و عده‌ای به زور پیاده می‌شوند و عده‌ای هم سوار. زنی که با این فشارها ماسکش روی زمین افتاده با آه و غرآن را از روی زمین بر می‌دارد: «الان سال‌هاست سوار مترو می‌شوم آرزو به دل مانده‌ام که همین یک کارکوچک را ما مردم یاد بگیریم همه منتظر بمانیم تا گروه قبلی پیاده شوند و بعد ما مسافران جدید سوار شویم. مگرچقدر فرق ماجراست. مگر چه اتفاقی می‌افتد، بالاخره همه سوار و پیاده می‌شوند و کسی هم جا نمی‌ماند. هر روز این مسیر را می‌روم و با این صحنه‌ها مواجه می‌شوم. مگر یاد گرفتن این نکات ساده چه سختی دارد؟»

زن دیگری هم حرف‌های او را ادامه می‌دهد: «این روزها خیلی های‌مان مخصوصاً اول صبحی اعصاب نداریم. هرکس به فکر خودش است تا یک جای بهتربرای خودش دست و پا کند. یک جورخودخواهی و زیاده خواهی. در این میان هم اصلاً دیگران اهمیتی ندارند خودم دیده‌ام که چند بار آدم‌ها همین جوری زیردست و پا له شده‌اند. ما شهروندان باید هوای خودمان را داشته باشیم اینها دیگر کارهایی نیست که دولت برای ما انجام دهد باید این چیزهای ساده را خودمان یاد بگیریم و به حقوق خودمان احترام بگذاریم.» گویی سردرد دل همه باز می‌شود اینکه چه چیزهای کوچکی هست که هیچ کدام‌مان رعایت نمی‌کنیم. مثل آدم‌هایی که در مترو با صدای بلند و بدون اینکه جلوی صورت‌شان را بگیرند عطسه و سرفه می‌کنند. یکی از زن‌ها می‌گوید: «این هم یکی دیگر از همان رفتارهایی است که همه‌مان باید رعایت کنیم، اما بی‌خیالش هستیم. خیلی وقت‌ها دیده‌ام کسی که مریض است سوار مترو می‌شود بدون ماسک یا حتی گرفتن مقابل سروصورتش لابد با خودش می‌گوید حالا که من مریضم بگذار بقیه هم مریض شوند. توی صورت بقیه عطسه و سرفه می‌کند. این رفتارها که دیگر کنترلش از همه ما بر می‌آید. مسافردیگر از کسانی گلایه می‌کند که پاهای‌شان را روی صندلی می‌گذارند و همه جا را خاکی و گلی می‌کنند: «در برخی کشورهای دنیا کثیف کردن صندلی مترو و اتوبوس جریمه مالی دارد بعد اینجا یک عده راحت پاهای‌شان را دراز می‌کنند. حالا بماند آن جروبحث هل دادن موقع سوار شدن.» بحث که بالا می‌گیرد خیلی‌ها از عدم رعایت بهداشت توسط برخی مسافران هم گلایه می‌کنند. اینکه بویژه در فصل سرد سال برخی اصلاً نظافت را رعایت نمی‌کنند، واگن‌ها از هروقت دیگری در سال بوی بدتری می‌گیرد: «برخی فکر می‌کنند اگرحمام بروند کافی است و دیگر بوی بدی نمی‌دهند غافل از اینکه به جزحمام کردن آدم باید لباس‌هایش را هم بشوید این جوری در نتیجه دیگران هم کمترآزار می‌بینند.» حرف‌هایی که آن روز در مترو رد و بدل می‌شود شاید نکات خیلی ریزی باشد اما همان چیزی است که خیلی اوقات از آن به‌عنوان حقوق شهروندی هم یاد می‌شود اینکه به خواسته‌های کوچک هم احترام بگذاریم.

> زمانی که می‌خواهیم وارد آسانسور شویم یا از دری وارد شویم مدام با هم تعارف تکه پاره می‌کنیم اما موقع رانندگی یا استفاده از یک وسیله حمل و نقل عمومی انگار همه این آداب اجتماعی را از یاد می‌بریم و فقط به خودمان فکر می‌کنیم

یک روز پرترافیک تهران

ترافیک تهران این روزها همیشگی است، کمتر ساعتی در روز پیش می‌آید که ترافیک و شلوغی در کار نباشد. بیشتر آدم‌ها توی ترافیک اعصاب‌شان ضعیف می‌شود. حتماً شما هم شنیده‌اید که توی ترافیک آدم‌ها بیشتر بد و بیراه می‌گویند یا موقع رانندگی زودترعصبانی می‌شوند. در روزهای شلوغ موتوری‌ها هم بدجوری می‌تازند دیگر برای خیلی از آنها مهم نیست که دارند حق تقدم عابران پیاده را زیر پا می‌گذارند توی پیاده رو می‌آیند و عابر پیاده بیچاره و از همه جا بی‌خبرهم که برای خودش با خیال راحت توی پیاده رو راه می‌رود از ترس توی هوا می‌پرانند. بماند از نحوه رانندگی همین موتوری‌ها و اگر تاکسی سوار باشید همیشه باید موقع پیاده شدن از تاکسی حواس‌تان باشد که یکی از همین موتوری‌ها با شما برخورد نکند.

حالا برگردیم سر ترافیک، رانندگی و همان حق و حقوق شهروندی که از آن حرف زدیم. اگر شما رانندگی می‌کنید حتماً از زاویه متفاوتی مسأله حق و حقوق را دنبال می‌کنید مثلاً اینکه در حال رانندگی هستید و با سرعت مناسبی در خط سرعت در حال رانندگی مجاز هستید اما یک نفر مدام از پشت سرتان بوق و چراغ می‌زند و از شما می‌خواهد راه را برایش باز کنید، حالا شما نمی‌فهمید دلیل این تقاضا چیست؟ اما این چراغ‌ها و بوق‌ها روی مخ تان رژه می‌رود. این سوی‌تان یک کامیون هست و شما نمی‌توانید به راننده متوقع راه بدهید. دائم از خودتان می‌پرسید مگر من چه قانونی را نقض کرده‌ام یا چه قانون مجازی را زیر پا گذاشته‌ام. مگر نه آنکه دارم در خط خودم و با سرعت مجاز می‌رانم که این‌طور باید اعصاب و روانم به هم بریزد، پس حق تقدم چه معنایی دارد؟ مگرنه آنکه همه ما اینها را در رانندگی آموزش دیده‌ایم پس چرا موقع رانندگی هیچ‌کدام را رعایت نمی‌کنیم. گاهی اوقات آدم یاد بفرماهای معمول در زندگی می‌افتد مثلاً زمانی که می‌خواهیم وارد آسانسور شویم یا از دری وارد شویم مدام با هم تعارف تکه پاره می‌کنیم اما موقع رانندگی یا استفاده از یک وسیله حمل و نقل عمومی انگارهمه این آداب اجتماعی را از یاد می‌بریم و فقط به خودمان فکر می‌کنیم. شاید این آداب در ذهن‌مان نهادینه نشده و آن بفرماهای معمول هم صرفاً جزئی از عادت‌مان است، چرا که در بزنگاه‌های اجتماعی از آنها استفاده نمی‌کنیم.

اینها مثال‌های ساده‌ای از رعایت حقوق شهروندی است اگر توی زندگی هر کدام‌مان دقیق شویم صدها مورد از آنها پیدا خواهیم کرد. رعایت حق تقدم و احترام به حقوق دیگران، در روابط اجتماعی و بین فردی. شاید اگر حقوق خودمان و دیگران را بشناسیم زیاده‌خواه نباشیم و قانون‌مدار باشیم و روزهای آرام‌تری را کنار هم سپری کنیم و با اعصاب آرام‌تری به زندگی و فعالیت‌مان ادامه دهیم.

> **برش**
> اگر شما رانندگی می‌کنید حتماً از زاویه متفاوتی مسأله حق و حقوق را دنبال می‌کنید مثلاً اینکه در حال رانندگی هستید و با سرعت مناسبی در خط سرعت در حال رانندگی مجاز هستید اما یک نفر مدام از پشت سرتان بوق و چراغ می‌زند و از شما می‌خواهد راه را برایش باز کنید، حالا شما نمی‌فهمید دلیل این تقاضا چیست.

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچك ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۴۳۸۲

آسان

۷					۸	۹		
	۸						۴	۶
		۱			۴		۸	۷
۱		۶		۳		۴		۸
	۹		۴		۶		۱	
۸		۲		۷		۶		۵
۹	۱		۳			۸		
۲	۵						۶	
		۸	۲					۳

متوسط

	۷	۲						
	۱		۲			۶	۴	
۵				۹				۷
	۲	۱	۳					
۳	۶		۴		۱		۵	۲
					۶	۱	۸	
۱				۳				۶
	۴	۵			۹		۲	
						۵	۹	

سخت

۹	۲		۱	۸				
	۴	۸	۲		۹			
		۱				۸	۲	
		۵		۶		۳		
	۳	۲				۴		
			۸		۶	۷	۱	
				۵	۷		۴	۹

خیلی سخت

۸			۶				۷	
				۱		۵		
			۵			۴		
۶		۸	۱				۹	
۹				۸				۱
	۵				۳	۶		۲
		۹			۵			
		۷		۹				
	۶				۱			۷

حل جدول سودوکو شماره ۴۳۸۲

آسان

۴	۶	۲	۸	۷	۱	۹	۵	۳
۸	۵	۹	۲	۴	۳	۱	۶	۷
۱	۳	۷	۶	۹	۵	۲	۴	۸
۶	۹	۱	۴	۲	۷	۵	۸	۳
۲	۷	۵	۳	۸	۶	۴	۱	۹
۳	۸	۴	۵	۱	۹	۷	۲	۶
۵	۴	۳	۱	۶	۲	۸	۹	۷
۷	۱	۸	۹	۵	۴	۶	۳	۲
۹	۲	۶	۷	۳	۸	۱	۷	۵

متوسط

۸	۴	۶	۱	۷	۲	۵	۳	۹
۳	۹	۷	۵	۶	۴	۲	۸	۱
۲	۵	۱	۸	۹	۳	۷	۴	۶
۶	۱	۴	۲	۸	۷	۹	۵	۳
۷	۸	۳	۹	۵	۶	۱	۲	۴
۹	۲	۵	۴	۳	۱	۶	۷	۸
۱	۶	۸	۷	۲	۵	۴	۹	۷
۴	۷	۲	۳	۱	۸	۵	۶	۹
۵	۳	۹	۶	۴	۹	۸	۱	۲

سخت

۷	۳	۶	۴	۸	۱	۲	۹	۵
۴	۸	۲	۹	۵	۶	۱	۷	۳
۱	۵	۹	۲	۳	۷	۸	۶	۴
۶	۲	۸	۱	۷	۴	۵	۳	۹
۳	۷	۴	۵	۹	۸	۶	۱	۲
۹	۱	۵	۶	۲	۳	۴	۸	۷
۸	۶	۱	۷	۴	۲	۹	۵	۳
۲	۴	۷	۳	۶	۹	۱	۲	۸
۵	۹	۳	۸	۱	۵	۷	۴	۶

خیلی سخت

۸	۶	۳	۴	۹	۲	۵	۷	۱
۹	۲	۵	۱	۷	۸	۶	۴	۳
۷	۴	۱	۶	۵	۳	۲	۹	۸
۳	۸	۹	۲	۶	۵	۴	۱	۷
۶	۵	۲	۸	۴	۱	۹	۳	۱
۱	۷	۴	۳	۸	۹	۷	۶	۲
۴	۹	۸	۷	۲	۶	۱	۵	۳
۵	۳	۶	۹	۱	۴	۸	۲	۷
۲	۱	۷	۵	۳	۷	۳	۸	۶

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۸۳۵۱

جدول عادی

افقی:

۱- پول سیاه و بی‌ارزش - خوش‌طینت و پاک سرشت
۲- بیماری ناشی از ویروس اچ‌آی‌وی - رهبر انقلاب روسیه - پایبند به پیمان
۳- فلزی کمیاب - مثل - حافظه قابل حمل!
۴- طرح ناموفق دبیرستانی - آیینه سرتا پا - مخفف از ما - گاو یال‌دار تبت
۵- مقابل «انس» - گول زننده - از پرندگان
۶- شفابخش است اگر خدا بخواهد - همراه غذا نوش جان کنید - مخفف هیچ
۷- عقب‌نشینی - بی‌دنبال - پارچه‌ای برای پخت پلو
۸- گنگ، بی‌زبان - محلی برای نگهداری گوشت و ماهی - سبزی ریشه‌دار
۹- در مرتبه یکم - همنشین و همدم - تصفیه‌خانه بدن انسان
۱۰- عید ویتنام - پایان - مرحله دوم زراعت
۱۱- رنجیده‌خاطر - کشورها، سرزمین‌ها - خودنمایی
۱۲- بلندترین ضلع مثلث قائم‌الزاویه - نوعی موسیقی - دیوار قلعه - ساقه خشک غلات
۱۳- سرگشته، گیج - دزد تاریکی‌ها! - روغن گیاهی
۱۴- پرنده‌ای کوچک - از جنس آهن - سبکی در موسیقی
۱۵- غذایی پرطرفدار - پشت سر هم

عمودی:

۱- تفرجگاه تهران - مفقود
۲- ضمیر اشاره اشخاص نزدیک - موشک - خواهش و التماس
۳- معلوم و هویدا - بندری در استان بوشهر - میان‌وعده مازندران
۴- مخفف از او - برق مثبت - خاطر - امر به گشودن
۵- تعیین شده - مرکز استان کردستان - رودپرآب استان فارس
۶- دلیر - مرز بین دو اتاق - تقلا
۷- سرازیری - سطح خارجی - عضو چشایی
۸- تپق زدن - به خدمت گرفتن افراد با حقوق معین - بنده
۹- شهر کانال‌ها - امر به آراستن - جمع متن
۱۰- یار و رفیق - مرطوب - خدای اقیانوس‌ها
۱۱- بزرگ‌منشی - عزم قوی - اکنون
۱۲- چال وسط شکم - پشیمانی - فرآورده شیری - امر به گفتن
۱۳- فیلمی از مرتضی آتش زمزم (روی پرده سینما) - شامی - جنس
۱۴- برملا کردن راز - هر کار خلاق و ابتکاری - ظرف مسی ته گرد
۱۵- بیماری - چیز کم بهتر از هیچ چیز است

جدول ویژه

افقی:

۱- ضمیمه کوتاه یاخته عصبی - تیمی در «برزیل»
۲- نوعی اسباب‌بازی - به آن سبب - نگارگری
۳- بدرستی که - لوطی - آزاد
۴- مانعی در کار - سلاح ترکیدنی - چند نکته - ابزار احتیاطی
۵- دوستی - نشست‌ها - یک یک افراد و اشخاص
۶- دوستی - گلزن سابق «آرسنال» - قیمت واحد
۷- کودک بی‌پدر - دستگیری - کمک کننده
۸- شهری تاریخی که لقب ماسوله کویر ایران را به خود گرفته - لایه سلولی بیرونی که در دوره جنینی به‌وجود می‌آید - سطح و ظاهر ساختمان
۹- قراول - فرشته‌ای در آیین زردشت - فناوری اطلاعات
۱۰- بس - حریص - از عناصر شیمیایی
۱۱- زن و فرزندان - گوهر بی‌مانند - حرف همراهی
۱۲- تباه و اتلاف - دوست دارنده - جوانمردی - پسوند مراقبت
۱۳- رویش و نمو - به حساب رسنده - پشیمانی
۱۴- کلام ضرورت - دراز - گل خیری
۱۵- شهر «افغانستان» - اصطلاحی در فیزیک

عمودی:

۱- سرمربی «اتلتیکو مادرید» - آوای درشت
۲- مأیوس - خبرپرسیدن - بلندقامت
۳- سرزمین - بن دندان - نام پسرانه
۴- آزمایش - نماد شکل پذیری - کلام تأسف - خوردنی پس از غذا
۵- نوعی جدول - مجبور کردن - تیشه بزرگ
۶- از علائم ابتلا به کرونا - رژ - منکر خداوند
۷- وسیله زورخانه - گازی غیر قابل رؤیت - مادربزرگ
۸- علنی - نویسنده «عقل سرخ» - طلیعه الفبا
۹- شهر «انگلیس» - اپرای «جوزپه وردی» - کاری از روی هوی و هوس
۱۰- آحاد - تباهی و پستی - نژادی از سگ
۱۱- ضمیر خودخواه - سوره ۶۶ - خواندنی خانم‌ها
۱۲- بدقواره - از ادات استفهام - مخفف آگاه - صحرا
۱۳- سیاره زهره - این هورمون در تنظیم فشارخون بدن نقش دارد - نان‌آور خانه
۱۴- وسیع و پهن - نحوه آرایش داده‌ها - خیزران
۱۵- کلمه‌ای به نشانه حیرت - اثر باستانی قزوین

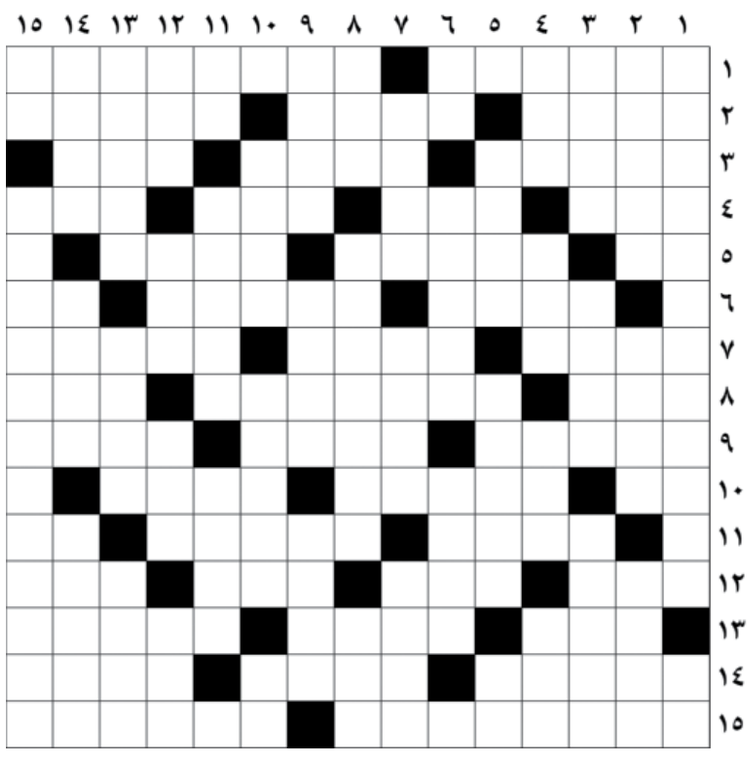

حل جدول عادی شماره ۸۳۵۰

حل جدول ویژه شماره ۸۳۵۰